

پاسخ به پرسشهای دوست ارجمندم جناب رحیم الله جرمی
گرداننده تارنمای انترنیتی "روزگار" در مورد برگزاری "جرگه صلح"

دوست عزیزم ، رحیم الله جان جرمی!

باید یک نکته را پیش از پیش روشن سازم که پرسشهای شما در عین حال نقطه نظرهای شمارا در مورد این به اصطلاح جرگه در بر دارد. من با بسیاری از این نظرات موافقم. کاری که میتوانم انجام دهم آن است که آنها را اندکی به بررسی میگیرم.

1- میگویند در همین دو روز آینده جرگه مشورتی صلح در کابل دائر میشود؛ از نظر جناب عالی این چگونه جرگه ای خواهد بود؟ آیا این گرد همایی میتواند برای مردم افغانستان صلح و آرامشی را به ارمغان آورد؟

پاسخ: جرگه یک سنت قبیلوی است. دولتهای قبیله سالار همواره از آن به منظور پیشبرد اهداف سیاسی و تبلیغاتی خویش استفاده کرده اند. در عمل هیچ جرگه ای تاکنون نتوانسته مسائل پیچیده و دشوار ملی را حل کند. این سنت قبیلوی که تنها در میان قبائل پشتون مروج است، فقط به منظور حل و فصل معضلات افراد متخاصم دو خانواده یا دو قبیله کارایی دارد و بس. جنگ افغانستان تنها بعد قبیلوی و حتی ملی ندارد؛ بلکه جنبه بین المللی آن برجسته میباشد. ازینرو پایان دادن به آن و یا یافتن یک راه حل مناسب و عادلانه به آن ازین طریق ناممکن است.

2- پرسش: فاروق وردک یک هدف برگزاری این جرگه را چنین مشخص کرده است: تعریف و دسته بندی مخالفان دولت و یا اینکه با کدام یک دسته و یا دسته هایی از آنها میتوان مذاکره کرد.
شما به این مسأله از چه زاویه ای مینگرید؟ آیا این اظهارات بدین معنی نیست که دولت افغانستان تا کنون دوستان و دشمنان خود را نشناخته است؟

پاسخ: دسته بندی و تعریف مخالفان به جرگه هیچ ارتباطی ندارد. این کار رجال سیاسی، احزاب و دولتهاست که موافقین و مخالفین سیاسی خود را در روند مبارزه سیاسی شان شناسایی کنند. اینکه دولت دستشانده و پوشالی کرزی چه کسان، نیروها و دولتها را دوست و یا دشمن خود میداند؛ کار خودش میباشد. در هر دولتی استخبارات به همین منظور ایجاد میشود؛ تا دوستان و دشمنان آن دولت را در داخل و خارج شناسایی و پلانهای دشمنان را به موقع کشف و خنثی سازد. ازین نقطه نظر جرگه درین مورد نمیتواند کاری انجام دهد.

3- پرسش: گفته میشود یکی از گروه هایی که برای مذاکره در فوکس قرار دارد؛ حکمتیار و گروه تحت امر وی میباشد. این در حالی است که دولت کابل بار بار حکمتیار را اجنت آی، اس، آی پاکستان خوانده است. در چنین وضعی چرا دولت کابل مستقیماً با خود پاکستان مذاکره نمیکند که بدنبال حکمتیار یک اجنت بی صلاحیت آن میرود؟

پاسخ: اگر توجه کرده باشید؛ در سالهای اخیر بیشترین اعضای کابینه، والی ها، قومندانان و دیگر مقامات دولت پوشالی کرزی را اعضای حزب اسلامی حکمتیار تشکیل میدهد. چندی قبل هیأت رسمی حکمتیار برهبری دامادش نیز به کابل آمده بود که از جانب آقای کرزی به گرمی استقبال شد. حتی همین آقای فاروق وردک نیز که گرداننده به اصطلاح "لویه جرگه صلح" تعیین شده است؛ نیز وابسته به حزب حکمتیار است. نقش حکمتیار همیشه نقش اپوزیسیونی است. ازینرو فکر نمی کنم که حکمتیار با این همه عوامفیبی که دارد به آسانی خود را افشا کند و در زیر چتر امریکا و متحدیتنش مستقیماً استاده شود. پاکستان نیز این آله فشار را هیچ گاه به این آسانی از دست نمیدهد. با فرض محال اگر گلبدالدین نیز که در حکومت کرزی

نقش عمده دارد، به آن پیوندد، مشکل جنگ حل نمیشود. زیرا نیروی اساسی که جنگ را تداوم می بخشد؛ طالبان و القاعده (القیاده) اند؛ نه حکمتیار. 4- با نظر داشت تجاریبی که از عملکرد خصمانه و عهد شکنانه حکمتیار و طالب ها وجود دارد؛ آیا کنار آمدن با این دو گروه به معنای قانونی کردن دوام جنگ در افغانستان نیست؟

پاسخ: هر جنگی یا باشکست و نابودی یک جانب و یا گرفتن امتیازات از جانب مقابل سر انجام به صلح می انجامد. هم طالبان و هم حکمتیار بشمول نیروهای وابسته به القاعده (القیاده) که ظاهراً جانب مقابل جنگ را تشکیل میدهند؛ (در حالی که نیروی سازماندهنده، تمویل کننده و رهبری کننده حکمتیار و طالبان دولت نظامیگر پاکستان است) یک شعار دارند و آن خروج نظامیان خارجی از افغانستان است. این شعار است که زمینه کشش مردم قبائل آنطرف مرزوپشتونهای داخل کشور را بسوی آنها فراهم میکند. در حالی که همه میدانند با خروج این نیروها دولت کرزی که در میان مردم بی اعتبار است بزودی فرو می پاشد.

چنانکه شما نیز اشاره کرده اید این جنگ طولانی است. اگر طالبها و حکمتیار هم بیایند؛ نیروهای القاعده را پاکستان تجهیز و تسلیح میکند و آنرا تداوم می بخشد. به نظر من تا زمانی که اشغال وجود دارد مبارزه علیه آن نیز موجود میباشد. مسلم است که باغلبه طالبان و حکمتیار جنگ پایان نمی یابد؛ بلکه به شکل دیگری چهره بدل میکند.. زیرا ریشه های جنگ در خط دیورند؛ نفوذ پاکستان؛ اشغال کشور از جانب امپریالستهای امریکایی و همدستانش؛ نبود دولت ملی و عدالت اجتماعی بیداد شوینزم قبیلوی و ده ها عامل دیگر است که فقط از طریق ایجاد یک جبهه مقاومت ملی و سراسری با طرح های روشن استراتژیک که حل همه معضلات

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ساکنین کشور و منطقه را در بر داشته باشد میسر می‌گردد.

5- پرسش : فکر نمی‌کنید اکثریت آدمهایی که به این جرگه دعوت شده اند افراد غیر مستقل و فاقد صلاحیتهای کاری درین راستا باشند؟ آیا این فکر درست نخواهد بود که فیصله نامه های این جرگه در برون از مرزهای افغانستان از قبل تهیه شده و اکنون برای عوامفریبی ظاهراً برای قانونی کردن آن به چنین یک جرگه ای محول میشود؟

پاسخ : پس از انتخابات اخیر که کرزی را امریکایی ها با رسوایی باردیگر بر تخت نشاندند؛ حتی همان انتخابات نمایشی را نیز نتوانستند ، مراعات کنند. ازینرو کرزی همه اعتبار ناچیزش را در میان مردم افغانستان و جهان از دست داد. برای آنکه ذهنیت مردم را مشغول کند و هم به خود وجهه ای کمایی نماید به این ترفند قبیلوی دست یازید. همه این سرو صداها و تبلیغات میان تهی جز عوامفریبی چیز دیگری نیست. همه میدانند که این جرگه از کسانی برگزار میشود که کدام صلاحیت و نفوذی بر طالبان ندارند. معامله گران سیاسی ، رؤسای قبائل و شماری از اشخاص چاپلوس جمع میشوند تا به دهل آقای کرزی و هر کس دیگری که برایشان نان و نمکی فراهم کند ؛ برقصند. نتیجه این جرگه " هیاهوی بسیار برای هیچ " است!

به امید روزی که رستاخیز ملی همه وطنفروشان را از کوهستانهای هندوکش، با با و سلیمان براند و افغانستان را از لوٹ این جنایتکاران داخلی و خارجی پاک سازد!